

بررسی عوامل مرتبط با جهت‌گیری ارزشی جوانان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز)

دکتر جهانگیر جهانگیری^۱، فاطمه ابوترابی زارچی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۴/۳۰

چکیده

این پژوهش سعی دارد تا با بهره‌گیری از روش پیمایش، عواملی را که با جهت‌گیری ارزشی جوانان در ارتباط است، بررسی کند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ۲۱/۶ درصد از افراد به سمت جهت‌گیری ارزشی مادی‌گرایانه تمایل نشان داده‌اند در حالی که، ۷۸/۴ درصد از افراد متمایل به جهت‌گیری ارزشی فرامادی‌گرایانه هستند. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیات بیانگر آن است که متغیرهای عضویت در انجمن‌های سیاسی - مذهبی، رضایت از زندگی، دینداری، استفاده از رسانه‌های قدیمی و نوظهور و همچنین قومیت با نوع جهت‌گیری ارزشی رابطه معناداری دارد. نتایج حاصل از رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که به ترتیب متغیرهای دینداری، استفاده از رسانه‌های قدیمی، مذهب (تشیع)، رضایت از زندگی و عضویت در انجمن‌های سیاسی - مذهبی قادر به تبیین ۲۲/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته هستند. واژگان کلیدی: جهت‌گیری ارزشی، سنت‌های فرهنگی، استفاده از رسانه‌های جمعی، انجمن‌های داوطلبانه

مقدمه

ارزش به نظر آگبرن و نیم‌کوف واقعه یا امری است که جامعه به آن اهمیت می‌دهد. ارزش اجتماعی، انگیزه‌گرایش‌های اجتماعی می‌شود و گرایش‌های اجتماعی تمایلات کلی ای هستند که در فرد به وجود می‌آیند و ادراکات و عواطف و افعال او را در جهت معینی به جریان می‌اندازند (فرسار، ۱۳۷۷: ۱۴۵). به باور لیندزی ارزش مفهومی است که نشان‌دهنده مجموعه‌ای از گرایش‌ها و معیارها نزد افراد در موقعیت‌های مختلف اجتماعی است که هدف‌های کلی را در زندگی تعیین می‌کند و در رفتار عملی و لفظی فرد متجلی می‌شود.

۱. عضو هیئت علمی بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز (jjhangiri@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

اسمیت و شوارتز معتقدند نظام ارزش‌های فرد چارچوبی برای تعیین رفتار و عکس‌العمل مناسب فرد در هر موقعیت است (اکرامی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

در مطالعات مربوط به توسعه، جهت‌گیری ارزشی جوامع از اهمیت بسیاری برخوردار است. ارزش‌ها محرک عمل افراد جامعه هستند و نظام ارزش‌های جوامع می‌تواند آهنگ حرکت جوامع را به سمت توسعه تسریع بخشد یا این که به منزله مانعی در این روند تلقی گردد. اینکلس و اسمیت، نوسازی را فرآیندی اجتماعی - روانی است که در آن طی آن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید مدرن شدن به دست می‌آید. نوسازی روانی که در سطح روانی مطرح می‌شود به معنای نوعی تحرک روانی یا ذهنی است که طی آن افراد ویژگی‌های روانی، ارزشی، انگیزشی و اعتقادی تازه‌ای را کسب می‌کنند، خصوصیتی که با اکتساب آن انسان سنتی تبدیل به انسان مدرن می‌شود (ازکیا، ۱۳۸۱: ۲۴).

جوانان و به‌ویژه دانشجویان یکی از کارگزاران امر توسعه در جوامع تلقی می‌شوند که توجه به نظام ارزش‌های آنان حائز اهمیت است. در این مطالعه سعی می‌شود تا عوامل مرتبط با جهت‌گیری ارزشی جوانان بررسی شود.

تحقیقات پیشین

احمدی و حامد (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ابراه‌های فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)» دریافتند که تفاوت دو نسل در مقوله‌های نوگرایی، مادی‌گرایی / فرامادی‌گرایی، نگرش به زنان و خانواده معنی دار بوده و این نسل جوان است که در هر چهار مقوله رتبه بالاتری کسب کرده است.

نتایج تحقیق سعیدی‌نژاد و آریان‌پوران (۱۳۸۹) نشان داد که بین هویت قومی، جستجوی هویت قومی، تعهد و تعلق به گروه قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر آن، مورد مطالعه معلمان شهرستان بروجن» دریافتند که ۷۲/۱ درصد از معلمان دارای حد متوسطی از جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور بودند. همچنین سطح سواد والدین، وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی، درآمد، وضعیت اشتغال و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی ارتباط معناداری با جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور نداشتند. احساس امید به زندگی و احساس رضایت از زندگی (رضایت شغلی،

رضایت از زندگی خانوادگی، رضایت از امکانات زندگی و رضایت از وضعیت سلامت) رابطه معناداری با جهت‌گیری ارزشی توسعه محور داشتند؛ به این معنا که با افزایش احساس امید به زندگی و رضایت از زندگی، جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور افزایش می‌یابد.

طالبان و همکاران (۱۳۸۹) براساس تحلیل ثانوی نتایج پیمایش‌های ملی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۵۳، روند تغییرات ارزش‌های اجتماعی جامعه ایران در این بازه زمانی را بررسی کردند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که میزان اهمیت ارزش‌های مادی برای جامعه ایران از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب افزایش داشته است؛ همچنین نسبت اهمیت بیشتر شاخص‌های ارزش‌های معنوی از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب کاهش یافته و میزان اهمیت ارزش‌های مادی و معنوی برای گروه سنی پنجاه به بالا (جوانان قبل از انقلاب) بیشتر از گروه سنی جوانان امروزی است. جهانگیری و میرفردی (۱۳۸۷) در بررسی جهت‌گیری ارزشی ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج دریافتند که بین شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه انسانی (سطح سواد افراد، سطح سواد والدین، میزان احساس امید به زندگی، پایگاه اقتصادی) و وضعیت شغلی با جهت‌گیری ارزشی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

دهستانی اسفندآبادی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «تأثیر بررسی پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانش‌آموزان بر جهت‌گیری ارزشی آنها». مطالعه موردی دبیرستانهای شهر شیراز» دریافت که متغیرهای: احساس امنیت، شیوه تربیتی خانواده، عضویت والدین در تشکلهای سیاسی و اجتماعی، منزلت شغلی والدین و استفاده از وسایل رفاهی دارای بیشترین تأثیر بر جهت‌گیری ارزشی پذیرا برای تغییر بوده‌اند.

آزاد ارمکی و غیاثوند (۱۳۸۳) به بررسی وضعیت نظام ارزشی در مناطق فرهنگی - اجتماعی ایران با در نظر گرفتن ۱۰ استان کشور در قالب پنج منطقه فرهنگی - اجتماعی پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که این تحولات به ترتیب از ارزش‌های دینی، سیاسی، جنسیتی و جهانی آغاز می‌شود و به تدریج ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که در مجموع می‌توان گفت در منطقه یک وضعیت هنجارها در قالب مدرن شدن یا سنتی ماندن و نیز جدا شدن از بافت نظام ارزشی سنتی نوعی «آنومی هنجاری» را پدید آورده است. در مناطق «سه» و «چهار» هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جهت‌گیری مشخص ندارند و این امر افراد را با «ابهام هنجاری» مواجه کرده است. در مناطق «دو» و «پنج» تا حدودی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نوعی «نظام هنجاری» سنتی و پایداری را نشان می‌دهند.

مطالعات پیمایشی زیادی در سازمان پیمایش ارزش‌های جهانی انجام شده است که به بررسی تغییرات فرهنگی و ارزشی در کشورهای مختلف پرداخته است. اینگلهارت مدیر اجرایی این سازمان به همراه همکارانش بارنس^۱، کیتاس^۲، نوریس^۳، ولزل، کلینگمان^۴ و دیگران پنج موج تحقیقاتی را از اواخر دهه ۱۹۷۰ تاکنون انجام داده‌اند که یافته‌های این تحقیقات در کتب متعددی، انقلاب آرام، مدرنیزاسیون و پست مدرنیزاسیون: تغییر فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در ۴۳ کشور، برابری جنسیتی و تغییر فرهنگی، فرهنگ، دموکراسی، اسلام و جنسیت و... بیان شده است (آلموند، ۲۰۰۰: ۱۲).

مبانی نظری تحقیق

ارزش‌ها را می‌توان به طرق متفاوت دسته‌بندی کرد. برخی از نظریات، ارزش‌های فردی را از ارزش‌های اجتماعی متمایز می‌سازند. ارزش‌های فردی قضاوت و مرجحات افراد درخصوص مفاهیم عینی و ذهنی است که مجموعه این ارزش‌ها نظام ارزش‌های هر فرد را تشکیل می‌دهد (اکرامی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). آلپورت و ورنون شش ارزش را مطرح می‌کنند که عبارتند از: ارزش‌های علمی و نظری (حقیقت‌جویی، تجربه‌گری و استدلالی‌بودن، خردمندی، انتقادگری و...)، ارزش‌های اقتصادی (اهمیت ثروت، مالکیت، پیشرفت اقتصادی و...)، ارزش‌های سیاسی (مسائل مربوط به قدرت و اقتدار، آزادی، برابری، مسئولیت شهروندی و...)، ارزش‌های اجتماعی (قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری، صمیمت در روابط انسانی و...)، ارزش‌های هنری (زیبایی دوستی، تحسین زیبایی‌های طبیعی، توجه به آفرینش هنری و...) و ارزش‌های دینی (باورهای قدسی، وحدت‌جویی، گرایش عرفانی و...). اینگلهارت نیز در تقسیم‌بندی خود از ارزش‌ها، به ارزش‌های اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد. وی ارزش‌های غیردینی و عقلانی را در مقابل ارزش‌های سنتی قرار می‌دهد و همچنین به تفکیک ارزش‌های مادی و فرامادی یا ارزش‌های حیاتی و بقا در مقابل ارزش‌های ابراز وجودی می‌پردازد (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۱۸۶؛ اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷). مفهوم نظریه جهت‌گیری ارزشی در سال ۱۹۶۱ توسط کلاکهورن و استرادبک مطرح شد. براساس این نظریه جهت‌گیری ارزشی شامل پنج بعد در ارتباط با فعالیت‌های انسانی و رابطه‌شان با یکدیگر می‌باشد. بر طبق نظر

1. Barnes
2. Kitase
3. Norris
4. Klingemann

جانت^۱ این پنج بعد شامل جهت‌گیری نسبت به طبیعت، جهت‌گیری نسبت به فعالیت، جهت‌گیری زمانی، جهت‌گیری نسبت به ماهیت انسان و جهت‌گیری ارتباطی است. جهت‌گیری نخست به معنای ارتباط انسان با طبیعت است. دو جهت‌گیری فعالیت و زمان با یکدیگر در ارتباطاند و منظور از آن نحوه استفاده از زمان در ارتباط با فعالیت‌های انسانی است. جهت‌گیری چهارم به معنای اعتقاد به سرشت نیک یا بد انسانی و جهت‌گیری آخر مربوط به نوع ارتباط انسان‌ها با یکدیگر اعم از ابزاری و غیرابزاری است (فرانکلین، ۲۰۰۶).

نظریات متعددی به بررسی جهت‌گیری ارزش‌ها پرداخته‌اند این نظریات عمدتاً ارزش‌ها را در قالب مفهوم توسعه مطرح می‌کنند. بسیاری از سنخ‌شناسی‌های عمده در جامعه‌شناسی کلاسیک همگی بر درک دوشاخگی جوامع سنتی در مقابل جوامع مدرن یا سنت در مقابل تجدد متمرکز بوده است و هرکدام از این جوامع را دارای جهت‌گیری‌های ارزشی متفاوتی می‌دانند که می‌توان به این موارد اشاره کرد: اسپنسر (نظامی و صنعتی)، سامنر (شان و قرارداد)، تونیس (گمین شافت، گزلفافت)، دورکیم (مکانیکی و ارگانیکی) (ازکیا، ۱۳۸۱: ۸۲-۷۴)، مورگان (اجتماعی و مدرن)، کولی (نخسین و ثانوی)، سوروکین و زیمرمن (روستایی و شهری)، بکرمقدس و دنیوی، وبر (سنتی و بوروکراتیک) و رد فیلد (روستایی و شهری)؛ (عابدی اردکانی، ۱۳۸۱: ۹۹). نظریه‌پردازان نوسازی نیز تقسیم‌بندی خود را از جوامع ارائه دادند و به بیان این مسئله پرداختند که چرا برخی از جوامع هنوز در مرحله سنتی قرار دارند. آلموند^۲ و پاول^۳ به تقسیم‌بندی جوامع برحسب فرهنگ سیاسی تبعی، محدود و مشارکتی پرداختند و تاثیر عواملی چون رسانه‌ها، تجربیات سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، نوسازی و صنعتی شدن را بر فرهنگ سیاسی بررسی کردند (آلموند، ۱۹۸۳: ۱۳۷). لرنر با طرح مفهوم شخصیت انتقالی به تفکیک جوامع به سنتی و مدرن پرداخته این مفهوم به معنای ابعاد روانی و آمادگی ذهنی افراد در پذیرش تجدد و نوآوری است. وی متغیرهایی چون میزان سواد، برخورداری از وسایل ارتباط جمعی، شهرگرایی و مشارکت سیاسی را بر حرکت جوامع از یک جامعه سنتی به جامعه مدرن تأثیرگذار می‌داند (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۰۹). اینکلس و اسمیت نیز تأثیر عواملی چون آموزش و پرورش، محیط شهری، وسایل ارتباط جمعی، دولت ملی و دستگاه‌های اداری و احزاب سیاسی و محیط کار و فعالیت در کارخانه‌ها را بر تحقق ویژگی‌های مدرن

1. Jandt
2. Almond
3. Powell

مؤثر می‌داند (عابدی اردکانی، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

نوسازی در این نظریه‌ها تلویحاً به معنای گسترده‌تر کردن حق انتخاب بشر تعریف می‌شود. اما این نظریه‌ها به طور کامل و مشروحو نتوانست توضیح دهد که گسترش این حق انتخاب در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را چگونه می‌توان به هم مربوط دانست و شاخصه‌های این حق انتخاب در این حوزه‌ها چیست.

برای پاسخ به نواقص این نظریات، اینگلهارت و همکارانش برای تبیین تغییرات اجتماعی که در کشورهای مختلف رخ می‌دهد، نظریه توسعه انسانی را مطرح کرده‌اند. مفهوم توسعه انسانی این امکان را فراهم می‌آورد که توسعه اجتماعی - اقتصادی، تغییرات فرهنگی و ارزشی و دموکراتیک شدن را به منزله سه پدیده مجزا و در عین حال وجوه به هم پیوسته‌ای از یک اصل ببینیم. توسعه اقتصادی، تغییر ارزش‌ها و دموکراسی دست به دست هم می‌دهند تا حق انتخاب آدمی را گسترده‌تر سازند (ولزل و همکاران، ۱۳۸۲: ۹). توسعه انسانی عملاً موجد تغییر نگرش‌های فرهنگی در هر جامعه‌ای است (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۲۰۴).

اینگلهارت و همکارانش معتقدند که تغییرات در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به یکدیگر مرتبط‌اند. در نظر آن‌ها تغییرات فرهنگی زمانی شکل می‌گیرد که دگرگونی‌هایی به قدر کفایت بزرگ در محیط اقتصادی، تکنولوژیک یا سیاسی و اجتماعی رخ دهد. چنین دگرگونی‌هایی به آرامی و معمولاً از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های جدید تحقق می‌یابد.

توسعه اقتصادی، ساختار اجتماعی یک جامعه را تغییر می‌دهد، باعث گسترش شهرنشینی، آموزش، تخصص‌های حرفه‌ای، رشد شبکه‌های سازمانی، عدالت در درآمد بیشتر و مجموعه‌ای از دستاوردهای مناسب می‌شود که مشارکت گسترده در سیاست را ترویج می‌کند. افزایش تخصص‌های حرفه‌ای و آموزشی به تربیت نیروی کاری می‌انجامد که از نظر ذهنی و فکری مستقل و دارای مهارت‌های تخصصی است که قدرت آن را در برابر افراد نخبه جامعه تقویت می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۱۹۷). به عقیده اینگلهارت تشکیل اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی توده‌ای که به حق رای بیشتر مردم در انتخابات منجر می‌شود به وسیله صنعتی شدن، شهرنشینی و سواد عمومی، تسهیل می‌شود. سپس وقتی که تجهیز شناختی صورت گرفت مردم نیروی بالقوه فزاینده خود را برای اشکال فعالتر مداخله در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، توسعه می‌دهند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴).

وی برای تبیین دگرگونی‌های ارزشی و فرهنگی در کشورهای جهان دو فرضیه را مطرح

می‌کند:

(۱) فرضیه کمیابی: اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی وی است: شخص بیشترین ارزش‌ها را برای چیزهایی قائل است که عرضه آن‌ها نسبتاً کم است.

در توضیح فرضیه فوق باید گفت که سطح توسعه اقتصادی کشورها بر ارزش‌های آن‌ها تاثیر می‌گذارد. اینگلهارت بر این باور است که جهان‌بینی مردم کشورهای ثروتمند با جهان‌بینی مردم جوامع دارای درآمد پایین تفاوت‌های اساسی دارد و در تمامی باورها و هنجارهای سیاسی، اجتماعی - مذهبی این تفاوت‌ها دیده می‌شود. تجزیه و تحلیل عوامل، دو بعد اصلی را مشخص می‌کند که امتیاز متغیرهای مختلف را مشخص کرده و بیش از نیمی از تفاوت‌های فرافرهنگی را تشریح می‌سازد. این دو بعد منعکس‌کننده دوگانگی بین سمت‌گیری‌های سنتی و سمت‌گیری عقلانی - سکولار و به سمت ارزش‌های حیاتی در مقابل ارزش‌های ابراز وجودی است. این دو بعد امکان تعیین جایگاه هر جامعه در چارچوب فرهنگ جهانی را امکانپذیر می‌سازد (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۱۸۵). در اینجا بعد ارزش‌های سنتی در مقابل ارزش‌های عقلانی - سکولار تضاد و تفاوت جوامعی را نشان می‌دهد که دین و ارزش‌های دینی بسیار با اهمیت است (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۲۰۴). اقتدار حاکم بر این جوامع از نوع اقتدار دینی است. جوامعی که در آن ایدئولوژی‌های دینی حاکم نیست و اقتدار حاکم بر آن از نوع اقتدار سکولار است، این اقتدار مشروعیتش را از هنجارهای قانونی - عقلانی به دست می‌آورد تا دینی. در این جوامع فرسایش کنترل‌های اجتماعی دینی فضای گسترده و آزادی را در مقابل استقلال افراد بازی می‌کند، اما این استقلال با تعهدات رو به گسترش به دولت همراه است یعنی اقتدار سنتی جای خود را به اقتدار دولت می‌دهد. در مقابل، بعد خودابرازی است که عنصر اصلی این بعد قطبی شدن بین ارزش‌های مادی‌گرایانه و فرامادی‌گرایانه است؛ بدین معنا که در بعد بقایی افراد بر امنیت اقتصادی تأکید دارند و در بعد خودابرازی بر سعادت ذهنی، کیفیت زندگی و ارزش‌های انسان‌گرایانه تأکید دارند (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۱۸۷). بنابراین، براساس نظریه اینگلهارت می‌توان گفت: در دوره اول توسعه اقتصادی (در جوامعی با درآمد پایین)، افراد دغدغه امنیت مالی، مادی و جانی دارند و ارزش‌های حاکم بر جامعه ارزش‌های مادی‌گرایانه است و زمانی که کشورها به مرحله فراصنعتی گام نهادند دغدغه آن‌ها نه رفاه شخصی شان بلکه رفاه جمع خواهد بود و ارزش‌های فرامادی‌گرایانه نظیر دغدغه‌های زیست محیطی، ارزش‌های انسان‌دوستانه و احترام بر جامعه حاکم می‌شود (اینگلهارت ۲۰۰۸: ۱۴۵). اما وی معتقد است این سطوح متفاوت توسعه اقتصادی به تنهایی منجر به این ارزش‌ها نخواهد شد. وی دومین فرضیه خود را مطرح می‌کند که تکمیل‌کننده فرضیه نخست است.

۲) فرضیه اجتماعی شدن: مناسبات میان محیط اجتماعی - اقتصادی و اولویت‌های ارزشی، یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست. یک تأخیر زمانی محسوس در این میان وجود دارد، زیرا ارزش‌های اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است. یعنی تغییر نسلی برای کامل کردن این فرایند لازم است، بدین صورت که نسل‌هایی که فرایند جامعه‌پذیری‌شان را در دوره اول توسعه اقتصادی گذرانده‌اند بیشتر به ارزش‌های مادی‌گرایانه توجه دارند و نسل‌هایی که دوره جامعه‌پذیری‌شان در دوره فراصنعتی بوده است به ارزش‌های فرامادی‌گرایانه تمایل دارند (اینگلهارت، ۱۳۷۳). در واقع کشورهای با درآمد بالا به ارزش‌های سکولار و عقلانی، از یک سو، و همچنین ارزش‌های خودابرازی، از سوی دیگر تمایل دارند و بالعکس کشورهای با سطوح پایین توسعه اقتصادی متمایل به ارزش‌های سنتی و ارزش‌های بقایی هستند (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۱۰).

از نظر اینگلهارت عضویت افراد در شبکه‌های اجتماعی به افراد امکان می‌دهد تا به ابراز خود بپردازند؛ یعنی گزینه‌های گسترده‌ای برای بیان نفس خویش به دست آورند که این خود موجب افزایش رضایت از زندگی در میان افراد می‌شود (ولزل و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۳). در واقع، رضایت از زندگی با ارزش‌های بیان نفس پیوند عمیقی دارد؛ بدین معنا که کشورهایی که شهروندان‌شان تحمل بیشتری در مقابل تنوعات از خود نشان می‌دهند همان کسانی هستند که تمایل بیشتری به شرکت در اعتراضات مدنی دارند و تمایلات آزادیخواهانه‌شان را بیشتر بروز می‌دهند و بیشتر به هم‌نوعانشان اعتماد می‌کنند. این افراد دارای میزان نسبتاً بالایی از رضایت از زندگی و احساس خوشبختی هستند (همان، ۲۶). در نظر اینگلهارت ارزش‌ها همچنین بازتاب اثر پایدار میراث مذهبی و تجربه‌های تاریخی است (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۲۰۴).

این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه اینگلهارت فرضیات زیر را مطرح می‌کند:

- ۱) جهت‌گیری ارزشی با عضویت در انجمن‌های داوطلبانه رابطه معناداری دارد.
- ۲) جهت‌گیری ارزشی با میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری دارد.
- ۳) جهت‌گیری ارزشی تابع میزان دینداری است.
- ۴) جهت‌گیری ارزشی تابع میزان استفاده از رسانه‌های جمعی است.
- ۵) جهت‌گیری ارزشی تابع میزان درآمد پاسخگویان است.
- ۶) جهت‌گیری ارزشی با سنت‌های فرهنگی رابطه معناداری دارد.

روش تحقیق

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان دانشگاه شیراز است که این تعداد تا پایان آذرماه ۱۳۸۹، برابر با ۱۴۰۲۲ نفر بوده است (سالنامه آمار دانشگاه شیراز، ۱۳۸۹). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و جدول نمونه‌گیری با سطح معناداری ۹۵٪ تعداد ۴۰۰ نفر به دست آمد که در نهایت برای اطمینان بیشتر حجم نمونه به ۴۳۰ نفر ارتقا یافت. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده شده است.

تعریف مفاهیم

درآمد ماهانه خانواده پاسخگو: منظور میانگین مقدار پولی است که تمامی اعضای خانواده پاسخگو در قبال انجام فعالیتی به صورت ماهیانه دریافت می‌کنند. این متغیر به صورت فاصله‌ای سنجیده شد.

سنت‌های فرهنگی: میراث قومی و ریشه‌های مشترک مذهبی جوامع را گویند (ولزل و اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۳۰). در این پژوهش منظور از قومیت این است که پاسخگو خود را متعلق به کدام‌یک از اقوام ایرانی می‌داند که شامل اقوام فارس، لر، کرد، ترک، عرب و... است و بعد مذهب به صورت شیعه، سنی، زرتشتی، مسیحی و کلیمی سنجیده می‌شود.

رضایت از زندگی: منظور از رضایت از زندگی، ارزیابی کلی فرد از شرایط زندگی خود است. در این تحقیق برای سنجش مفهوم رضایت از زندگی از مقیاس چندگانه رضایت از زندگی اسکات هیوبنز^۱ که در سال ۲۰۰۱ عرضه کرد، استفاده می‌شود. این مقیاس پنج بعد رضایت از خانواده، محل تحصیل، دوستان، محل زندگی و خود را شامل می‌شود و فرد میزان رضایت خود را نسبت به هریک از موارد از خیلی زیاد (=۵) تا خیلی کم (=۱) بیان می‌کند.

استفاده از رسانه‌های جمعی: رسانه‌های جمعی شکل‌های ارتباطی مختلفی است که به منظور رساندن پیام به گیرندگان انبوه طراحی شده است (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۱۰۶). منظور میزان استفاده پاسخگویان از رادیو و تلویزیون، کتاب، روزنامه و مجله، پست الکترونیک، اینترنت و ماهواره است که از خیلی زیاد (=۵) تا خیلی کم (=۱) سنجیده شده است. این رسانه‌های با توجه به تحلیل عاملی به دو گروه رسانه‌های قدیمی (رادیو و تلویزیون، کتاب، روزنامه و مجله) و رسانه‌های نوظهور (پست الکترونیک، اینترنت و ماهواره) تفکیک شد.

1. Hubenz

دینداری: متغیر دینداری در این تحقیق براساس تعریف گلاگ و استارک شامل ابعاد اعتقادی، عاطفی، مناسکی و پیامدی است. در این تحقیق برای سنجش این مفهوم ۱۱ گویه مطرح شد که فرد میزان موافقت و مخالفت خود را با این گویه‌ها بیان می‌کرد این متغیر به صورت کاملاً موافق (=۵)، موافق (=۴)، بی‌نظر (=۳)، مخالف (=۲) و کاملاً مخالف (=۱) کدگذاری شد.

عضویت در انجمن‌های داوطلبانه: میزان عضویت افراد در گروه‌های ارادی است. این متغیر به صورت درجه عضویت افراد از عضو نبودن (=۰) تا عضو فعال (=۲) در ۷ گروه و انجمن ارادی سنجیده می‌شود. که با توجه به نتایج تحلیل عاملی این ۷ انجمن داوطلبانه به دو گروه، انجمن‌های سیاسی - مذهبی (تشکل‌های سیاسی دانشجویی، تشکل‌های مذهبی) و سایر انجمن‌های ارادی (انجمن‌های علمی، آموزشی و تحقیقاتی، انجمن‌های هنری، گروه‌های ورزشی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و همچنین انجمن‌های بشردوستانه) تفکیک شد.

جهت‌گیری ارزشی: برطبق تعریف وبستر^۱ جهت‌گیری ارزشی به اصول درست و غلطی که به وسیله افراد یا یک گروه اجتماعی پذیرفته می‌شود، اطلاق می‌گردد. این متغیر بنا به تعریف اینگلهارت شامل جهت‌گیری افراد نسبت به آزادی‌خواهی، تساهل مدنی و نوع رهبری و اقتدار سیاسی است. در نظر وی جهت‌گیری ارزشی به دو نوع مادی و فرامادی تقسیم می‌شود. در این تحقیق برای سنجش این مفهوم ۱۲ گویه مطرح شد که فرد میزان موافقت و مخالفت خود را با این گویه‌ها بیان می‌کرد. این متغیر به صورت کاملاً موافق (=۵)، موافق (=۴)، بی‌نظر (=۳)، مخالف (=۲) و کاملاً مخالف (=۱) کدگذاری شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات

۲۱/۶ درصد از افراد نمونه آماری دارای دارای جهت‌گیری ارزشی مادی‌گرایانه و ۷۸/۴ درصد از آنها دارای جهت‌گیری فرامادی‌گرایانه هستند. نتایج جدول شماره یک بیانگر آن است که متغیرهای عضویت در انجمن‌های سیاسی - مذهبی (۰/۲۵۲)، رضایت از زندگی (۰/۲۴۴)، دینداری (۰/۳۸۵)، استفاده از رسانه‌های قدیمی (۰/۲۹۵)، با جهت‌گیری ارزشی رابطه مثبت معناداری دارند ولی متغیر استفاده از رسانه‌های نوظهور (۱۰۷۰) با جهت‌گیری ارزشی رابطه منفی معناداری دارند و همچنین متغیرهای عضویت در سایر گروه‌های ارادی (۰/۰۰۷) و میزان درآمد

1. Webster

(۰/۰۳۲-) با جهت‌گیری ارزشی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد.

جدول ۱. آزمون ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل و جهت‌گیری ارزشی

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد معتبر
جهت‌گیری ارزشی	عضویت در انجمن‌های سیاسی - مذهبی	۰/۲۵۲	۰/۰۰۰	۴۳۰
	عضویت در سایر گروه‌های ارادی	۰/۰۰۷	۰/۸۷۹	۴۳۰
	رضایت از زندگی	۰/۲۴۴	۰/۰۰۰	۴۳۰
	دینداری	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	۴۳۰
	استفاده از رسانه‌های نوظهور	-۰/۱۰۷	۰/۰۲۷	۴۳۰
	استفاده از رسانه‌های قدیمی	۰/۲۹۵	۰/۰۰۰	۴۳۰
	میزان درآمد	-۰/۰۳۲	۰/۵۰۷	۴۳۰

اینکلهارت معتقد است که هرچه میزان عضویت افراد در گروه‌های ارادی بیشتر باشد افراد جامعه بیشتر به سمت جهت‌گیری ارزشی فرامادی‌گرایانه تمایل نشان می‌دهند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که افراد با عضویت در انجمن‌های سیاسی - مذهبی، به جهت‌گیری ارزشی فرامادی‌گرایانه سوق می‌یابند اما عضویت افراد در سایر گروه‌های ارادی، با نوع جهت‌گیری ارزشی رابطه معناداری ندارد.

اینکلهارت معتقد است که سطح بالایی از رضایت از زندگی، افراد را به سمت جهت‌گیری ارزشی فرامادی‌گرایانه سوق می‌دهد. با توجه به یافته تحقیق، این بخش از نظریه اینکلهارت در زمینه ایران تأیید می‌شود.

در نظر اینکلهارت دینداری با جهت‌گیری ارزشی فرامادی‌گرایانه رابطه منفی دارد اما آنجا که در جامعه ایران، دین و سیاست از یکدیگر مجزا نیستند، می‌توان گفت که این رابطه در ایران مثبت است. بدین معنا که هرچه میزان دینداری افراد جامعه بیشتر باشد، افراد به جهت‌گیری ارزشی فرامادی‌گرایانه تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

در نظر اینکلهارت رسانه‌های ارتباطی، موجب رشد جهت‌گیری ارزشی فرامادی‌گرایانه در جامعه می‌شود. در این تحقیق دریافتیم که هرچه میزان استفاده از رسانه‌های نوظهور بیشتر باشد، افراد بیشتر به سمت جهت‌گیری ارزشی مادی‌گرایانه تمایل نشان می‌دهند در حالی که استفاده از رسانه‌های قدیمی، افراد را به سمت جهت‌گیری ارزشی فرامادی‌گرایانه سوق می‌دهد.

براساس نظریه اینکلهارت جوامعی که افراد آن از لحاظ مادی در سطح رفاهی بیشتری قرار دارند و سرانه درآمد ملی بالاست. جهت‌گیری افراد جامعه ارزشی فرامادی‌گرایانه است.

اما این بخش از نظریه اینگلهارت در این تحقیق تأیید نشد.

جدول ۲. آزمون رابطه بین قومیت و جهت گیری ارزشی

متغیر وابسته	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	F	Sig.
جهت گیری ارزشی	فارس	۳۰۲	۴۹/۱۱۹۲	۵/۵۰۹۱۹	۰/۳۱۷۰۲	۲/۳۹۴	۰/۰۵۰
	ترک	۳۶	۴۷/۵۵۵۶	۵/۹۵۴۳۲	۰/۹۹۲۳۹		
	کرد	۱۴	۴۷/۱۴۲۹	۶/۳۱۰۶۴	۱/۶۸۶۵۹		
	لر	۵۵	۵۰/۲۱۸۲	۵/۳۶۳۴۳	۰/۴۲۳۲۰		
	سایر	۲۳	۴۶/۸۶۹۶	۸/۰۱۸۷۵	۱/۶۷۲۰۳		
	کل	۴۳۰	۴۸/۹۴۴۲	۵/۷۴۸۱۴	۰/۱۷۷۲۰		

جدول شماره ۲ نشان می دهد که جهت گیری ارزشی با قومیت رابطه معناداری دارد. بدین معنا که نوع جهت گیری ارزشی در بین اقوام، متفاوت است. در واقع لرها بیشتر به سمت جهت گیری ارزشی فرامادی گرایانه تمایل نشان می دهند در حالی که افرادی که در گروه سایر قرار دارند به جهت گیری ارزشی مادی گرایانه تمایل دارند.

جدول شماره ۳. آزمون رابطه بین مذهب و جهت گیری ارزشی

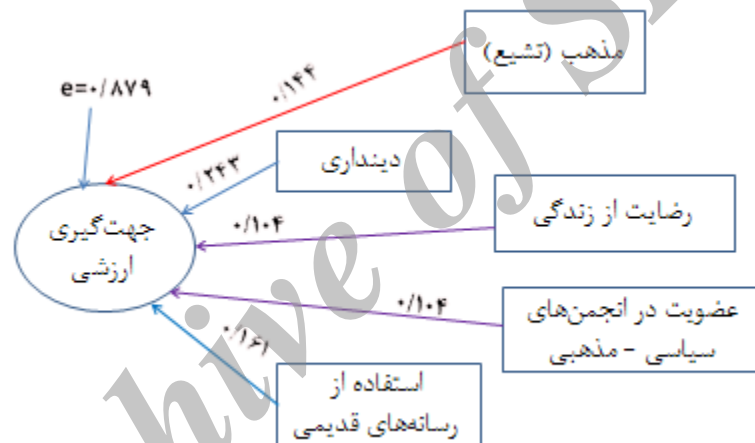
متغیر وابسته	مذهب	فراوانی	میانگین	خطای استاندارد	انحراف معیار	T	سطح معناداری
جهت گیری ارزشی	شیعه	۳۹۶	۴۹/۳۴۸۵	۰/۲۸۱۷۸	۵/۶۰۷۳۹	۱/۶۷۰	۰/۱۹۷
	سایر	۳۴	۴۴/۲۳۵۳	۰/۹۱۳۴۲	۵/۳۲۶۰۹		

جدول ۴. تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته جهت گیری ارزشی

مدل	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error	B	Beta	t	Sig.
(Constant)	۲/۰۶۲	۳۰/۳۳۹	۱۴/۷۱۴	۰/۰۰۰
دینداری	۰/۳۸۵	۰/۱۴۸	۰/۱۴۶	۰/۰۳۸	۰/۱۹۱	۰/۲۴۳	۵/۰۲۳	۰/۰۰۰
استفاده از رسانه های قدیمی	۰/۴۳۵	۰/۱۸۹	۰/۱۸۶	۰/۰۹۵	۰/۳۳۲	۰/۱۶۱	۳/۴۹۶	۰/۰۰۱
مذهب (تشیع)	۰/۴۵۶	۰/۲۰۸	۰/۲۰۲	۰/۹۴۴	۳/۰۶۸	۰/۱۴۴	۳/۲۵۱	۰/۰۰۱
رضایت از زندگی	۰/۴۶۷	۰/۲۱۸	۰/۲۱۱	۰/۰۵۶	۰/۱۲۶	۰/۱۰۴	۲/۲۷۰	۰/۰۲۴
عضویت در انجمن های سیاسی - مذهبی	۰/۴۷۷	۰/۲۲۷	۰/۲۱۸	۰/۲۴۲	۰/۵۴۸	۰/۱۰۴	۲/۲۶۵	۰/۰۲۴

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که جهت‌گیری ارزشی با مذهب رابطه معناداری ندارد. بدین معنا که نوع جهت‌گیری ارزشی در بین مذاهب تفاوت چندانی ندارد. ولی می‌توان گفت که شیعیان بیش از سایر افراد به سمت ارزش‌های فرامادی‌گرایانه تمایل دارند. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره گام‌به‌گام نشان می‌دهد که از بین تمام متغیرهای مستقلی که وارد تحلیل رگرسیون چندمتغیره شدند، تنها ۵ متغیر باقی ماندند که در مجموع توانستند ۲۲/۷ درصد از واریانس متغیر جهت‌گیری ارزشی را تبیین نمایند. این متغیرها به ترتیب عبارتند از: دینداری، استفاده از رسانه‌های قدیمی، مذهب (تشیع)، رضایت از زندگی و عضویت در انجمن‌های سیاسی - مذهبی (جدول شماره ۴).

نمودار ۱. تحلیل مسیر براساس یافته‌های تحقیق



نتیجه‌گیری

این تحقیق با بهره‌گیری از نظریه اینگلهارت به بررسی عوامل مرتبط با جهت‌گیری ارزشی جوانان می‌پردازد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از میان ابعاد سنت فرهنگی نظیر مذهب و قومیت تنها قومیت در شکل‌دهی به جهت‌گیری ارزشی تأثیرگذار بوده است؛ بدین معنا که جهت‌گیری ارزشی در گروه‌های قومی مختلف جامعه، تفاوت دارد. این یافته تحقیق با یافته‌های سعیدی‌نژاد و آریان‌پوران (۱۳۸۹) همسو است.

دینداری در این تحقیق از جمله متغیرهایی است که رابطه مثبت معناداری با جهت‌گیری ارزشی دارد. این یافته تحقیق مؤید نظریه اینگلهارت نیست و این امر به این دلیل است که جامعه ایران یک جامعه دینی است و نظام ارزش‌های افراد جامعه تحت تأثیر مذهب و

جامعه‌پذیری دینی افراد شکل می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که هرچه رضایت از زندگی افزایش یابد، افراد بیشتر به سمت جهت‌گیری ارزشی فرامادی‌گرایانه تمایل نشان می‌دهند. این یافته تحقیق با یافته‌های میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) همسو است.

از بین گروه‌های داوطلبانه تنها عضویت در انجمن‌های سیاسی - مذهبی با جهت‌گیری ارزشی رابطه معنادار دارد. بدین معنا که با عضویت در این انجمن‌ها افراد به سمت جهت‌گیری ارزشی فرامادی‌گرایانه تمایل نشان می‌دهند. دلیل این امر را می‌توان در نوع فعالیت‌های این انجمن یافت که این خود بیانگر نوع متفاوت جامعه‌پذیری افراد در انواع متفاوت انجمن‌های داوطلبانه است.

اینگلهارت معتقد است که تکنولوژی‌های ارتباطی، می‌تواند موجب رشد ارزش‌های فرامادی‌گرایانه شود. اما یافته‌های تحقیق نشان داد که انواع متفاوت رسانه‌های جمعی بر جهت‌گیری ارزشی افراد تأثیر متفاوتی می‌گذارند. بدین معنا که با افزایش استفاده از رسانه‌های قدیمی افراد به سمت ارزش‌های فرامادی‌گرایانه تمایل می‌یابند و با افزایش استفاده از رسانه‌های نوظهور تمایل افراد به ارزش‌های مادی بیشتر می‌شود. دلیل این امر را می‌توان در تفاوت پیام‌های فرهنگی و ارزشی که از سوی رسانه‌های مختلف ابراز می‌شود، یافت و همچنین باید دانست که هرکدام از رسانه‌های جمعی افراد جامعه را به گونه متفاوتی جامعه‌پذیر می‌کنند. این یافته با یافته‌های میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) همسو نیست.

در این تحقیق روشن شد که میزان درآمد افراد با جهت‌گیری ارزشی افراد رابطه معناداری ندارد این یافته مؤید نظریه اینگلهارت نیست بلکه با یافته‌های میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) همسو است.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره حاکی از آن است که متغیرهای دینداری، استفاده از رسانه‌های قدیمی، مذهب (تشیع)، رضایت از زندگی و عضویت در انجمن‌های سیاسی - مذهبی قادر به تبیین ۲۲/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و غیاثوند، احمد (۱۳۸۳) «بررسی وضعیت نظام ارزشی در مناطق فرهنگی - اجتماعی ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۰.

- احمدی، یعقوب و حامد، بیتا (۱۳۹۰) «سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ایزه‌های فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۴۲.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، نشر کلمه.
- اکرامی، محمود، دشتوان اردستانی، زهرا و فرهد، امیر هوشنگ (۱۳۹۰) «اندازه‌گیری ارزش‌های دانشجویان دانشگاه پیام نور استان تهران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۶۰: ۱۳۶-۱۲۱.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات روزنه.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۳) *فرهنگ و دموکراسی*، در اهمیت فرهنگ، هانتینگتون، ساموئل و هریسون، لارنس، ترجمه گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- اینگلهارت، رونالد و نوریس، پپا (۱۳۸۷) *مقدس و عرفی دین و سیاست در جهان*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر
- جهانگیری، جهانگیر و میرفردی، اصغر (۱۳۸۷) «جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه انسانی در ایران: مطالعه موردی ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی* «ویژه نامه پژوهش‌های اجتماعی».
- دهستانی اسفندآبادی، حسین (۱۳۸۵) «تاثیر بررسی پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانش‌آموزان بر جهت‌گیری ارزشی آنها (مطالعه موردی دبیرستانهای شهر شیراز)»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۶.
- سعیدی‌نژاد، حمیدرضا و آریان‌پوران، سعید (۱۳۸۹) «رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان»، *پژوهش جوانان*، فرهنگ و جامعه، شماره پنجم.
- طالبان، محمدرضا. مبشری، محمد و مهرآیین، مصطفی (۱۳۸۹) «بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، سال اول، شماره ۳.
- عابدی اردکانی، محمد (۱۳۸۱) *سنت و نوسازی سیاسی*، یزد: بنیاد فرهنگی - پژوهشی ریحانه الرسول.
- فرسار، احمد (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی اصول، مبانی و نظریه‌پردازان*، تهران: نشر اوحدی.
- میرفردی، اصغر. احمدی، سیروس و رفیعی بلداجی، زهره (۱۳۸۹) «جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور معلمان و عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر آن مورد مطالعه معلمان شهرستان بروجن»، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، شماره ۱۱.
- ولزل، کریستین و اینگلهارت، رونالد و کلینگمان، هانس - دیتر (۱۳۸۲) *توسعه انسانی نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: انتشارات طرح ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- Almond, G.A (2000). "The study of political culture" In Lane, Crothers & Lockhart, Charles, **Culture and Politic: a Reader**, New York.
- Franklin, Ricky (2006). "Value Orientation Theory and the United States What Does the Value Orientation Theory Tell Us About Our Culture? Yahoo! Contributor Network", Oct, 12, 2006.
- Inglehart, R & Christian W (2010). "Changing mass priorities :the link between modernization and democracy, perspectives on politics."
- Inglehart, R (2008). "Changing Values among Western Publics from 1970 to 2006", **West European Politics**, Vol. 31, Nos. 1-2, 130 - 146
- www.webster-dictionary.org/definition/value%20orientation

Archive of SID